

## قیام ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹

### نوشته : شهرام جاویدپور

روز جمعه ۲۰ تیرماه سال ۱۳۵۹ خورشیدی برابر با ۱۱ جولای ۱۹۸۰ میلادی ( ۲ روز پس از کشف قیام ۱۸ تیر ) ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور اسلامی به اتفاق سرهنگ جواد فکوری فرمانده نیروی هوایی و مرتضی رضائی یکی از مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک برنامه تلویزیونی شرکت کرد و از کشف یک کودتای نظامی به منظور براندازی رژیم جمهوری اسلامی پرده برداشت. در این تاریخ ، ۵۱۳ روز از چیرگی اهریمنان بر ایران زمین میگذشت و کشتار بی امان ایرانیان و ویرانی ایران به شدت ادامه داشت . پادشاه فقید ایران ، محمد رضاشاه پهلوی (آریامهر) در قاهره و در یک بیمارستان نظامی آخرین روزهای زندگی خویش را میگذراند. ۵۲ تن از دیپلماتهای آمریکائی همچنان در اسارت گروهی معروف به ( دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ) بسر میبردند و دکتر شاپور بختیار به نام نخست وزیر قانونی ایران ، در خارج از کشور ( پاریس ) دفتری گشوده بود که برای براندازی جمهوری اسلامی فعالیت میکرد و از یاری های دولت عراق به ویژه از کمکهای مالی این کشور برخوردار میشد.

در چنین جوی بود که با اعلام بنی صدر همگان از وقوع یک کودتا برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی آگاه شدند. در همان روز خبرگزاریهای معتبر دنیا ضمن پخش خبر کشف این کودتا اعلام کردند که شاپور بختیار نخست وزیر سابق ایران ، از کسانی که در این کودتا علیه جمهوری اسلامی شرکت کرده بودند ، قدردانی کرده و از شکست آن ابراز تاسف نموده است و این خبر میرساند که شاپور بختیار و دفتر او در پاریس در انجام این کودتا در ایران نقش داشته اند.

در همان روز ۲۰ تیرماه ، بنی صدر در برنامه تلویزیونی یاد شده گفت که مقامات جمهوری اسلامی از یک ماه پیش در جریان برپائی این قیام بوده اند و حتی ۲۴ ساعت پیش از شروع عملیات نظامی این کودتا ، از تاریخ و مکانهای اجرای آن آگاه بوده اند. در آن روز این گفته های صریح و روشن بنی صدر را بسیاری به حساب دروغگوئی همیشگی بنی صدر و دیگر سران جمهوری اسلامی گذاشتند و این گفته بنی صدر را که جمهوری اسلامی از چند و چون این قیام و حتی از فعالیت های اولیه آن کاملاً با خبر بوده است ، ادعائی بیش ندانستند . ولی گذشت زمان ، نحوه دستگیری شرکت کنندگان در این قیام و کشف رویدادهائی همانند ( ایران گیت ) بعد از روشن نمودن که این ادعا حقیقتی بیش نبوده و با خیانت جنایت پیشگان ، جمهوری اسلامی کاملاً در جریان انجام این قیام بوده است و به همین سبب بود که با وجود رعایت اصل پنهانکاری که در هر حرکت براندازی رعایت میشود ، بیشتر شرکت کنندگان در این قیام به سرعت دستگیر شدند و شماری از آنان نیز به خارج از کشور گریختند. شرکت کنندگان در این قیام با اینکه میدانستند در صورت دستگیری کمترین مجازات آنان مرگ است ، آنچنان غافلگیر شدند که حتی نتوانستند تیری به دشمن شلیک نمایند. در تمام طول دستگیریها تنها این ستوان ناصر رکنی بود که به هنگام مراجعه پاسداران به خانه اش برای دستگیری او ، فرصت یافت به آنان

تیراندازی کند و پاسداری به نام محمد اسماعیل قربانی را از پای درآورد و محمد اسماعیل قربانی تنها قربانی جمهوری اسلامی در کشف و خنثی کردن این کودتا بود.

اعدام ها از روز یکشنبه ۲۹ تیر ماه ۱۳۵۹ یعنی ۱۱ روز پس از کشف این قیام با حکم شیخ محمد ریشه‌ری حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی آرتش آغاز شد و در این روز سرتیپ خلبان آیت محققى - سرگرد خلبان فرخ زاد جهانگیری - سروان خلبان محمد ملک و سروان بیژن ایران نژاد ثابت افسر فنی نیروی هوایی اعدام شدند. و این کشتار وحشیانه تا روز دوشنبه ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ که زمان حمله آرتش عراق به ایران بود همچنان و به شدت ادامه یافت. در این ۶۵ روز، رژیم جمهوری اسلامی ۱۱۵ نفر از خلبانان، چتربازان و توپچیان و افراد نیروهای ویژه آرتش ایران را به جرم شرکت در این کودتا تیرباران کرد و گوئی با تیرباران شاهین های بلند پرواز و توپچیان ایران صدام حسین عراقی را برای حمله به ایران دعوت میکند و میتواند گفت، گوئی این صدام حسین بود که در این دادگاه‌های ضد انسانی حکم میراند تا با نابودی پاسداران آسمانهای ایران با خیالی آسوده تا قلب ایران بتازد. در آن روزها حمله نزدیک عراق به ایران چیزی پنهان بشمار نمیرفت. جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا پس از شکست عملیات نجات گروگانهای آمریکائی در صحرای طبس و قطع رابطه سیاسی آمریکا با ایران گفته بود که ایرانیان در برابر گروگانگیری دیپلماتهای آمریکائی، تاوان سنگینی خواهند پرداخت و آیا این تاوان سنگین جز تحمیل یک جنگ خانمان برانداز چیز دیگری میتوانست باشد؟ در همان روزها مصطفی چمران اسلامی و وزیر دفاع جمهوری یکی از عوامل آمریکائی انقلاب اسلامی در مصاحبه ای با ( کیهان ) گفته جالبی را از خود بجای گذاشته است و آن اینکه در مورد احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران و انجام تهدید جیمی کارتر میگوید: "آمریکا برای حمله نظامی به ایران یکی از سه راه را باید انتخاب کند. نخست اینکه در جنوب ایران نیرو پیاده کند. دوم اینکه از خاک یک کشور ثالث برای حمله به ایران بهره بگیرد. و سوم اینکه کشور ثالثی را برای حمله به ایران ترغیب کند." و با گذشت زمان دیدیم که جیمی کارتر و دولت آنروز آمریکا، راه سوم را انتخاب کردند. کمکهای بی شائبه آمریکائیه‌ها به عراق در شروع جنگ و فعالیتهای عوامل آنها در داخل ایران برای تضعیف آرتش ایران و ایجاد جسارت در صدام حسین برای حمله به ایران، گواه چنین انتخابی است. در همان روزها که عراقی ها حملات مرزی و آزمایشی خود را به مرزهای ایران آغاز کرده بودند، سید احمد مدنی یکی دیگر از عوامل آمریکائی انقلاب اسلامی در سمت وزیر دفاع و فرمانده نیروی دریائی جمهوری اسلامی، سخت سرگرم لغو قراردادهای خرید جنگ افزارهای نظامی و پروژه های بزرگ آرتش ایران بود و با کم کردن دوره خدمت اجباری نظام وظیفه از ۲ سال به ۱ سال، عراقی ها را برای حمله به ایران دعوت مینمود و ملایان نادان در برابر دریای خونی که با کشتار مدافعان ایران بر پا کرده بودند نماز شکرگزاری بجای میآوردند و همگی دست در دست هم، صدام حسین را برای یورش به ایران فرامیخواندند. درباره پی آمدهای فاجعه بار کشف این قیام که میتوانست طومار زندگی رژیم نابکار جمهوری اسلامی را در همان سالها در هم بیچد، دهها تن از بهترین فرزندان این آب و خاک، زن و مرد، شیردلانه برای رهائی ایران به پا خاستند و با خیانتی که به آنان شد ناجوانمردانه جان باختند. کشف این قیام به جمهوری اسلامی امکان داد که مخالفین توانای خود را بشناسد و آنان را از میان بردارد. کشف این قیام سبب گردید که دولت

عراق با آسودگی از ناتوانی نیروی هوایی ایران به سرزمین ما بتازد و یک جنگ ویرانگر ۸ ساله را به ایران و ایرانیان تحمیل کند و تهدید آقای جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا را عملی سازد. در حالیکه نظامیان و میهن پرستان شرکت کننده در این قیام به اطمینان اینکه کارگزار قیام دکتر شاپور بختیار نخست وزیر ایران است که اکنون در خارج کشور بسر میبرد و پس از پادشاه بیمار و سرگردان ایران تنها مقام قابل اعتمادی است که به مبارزه با جمهوری اسلامی برخاسته است، به این قیام پیوسته بودند، کارگزاران این قیام و به ویژه آقای دکتر شاپور بختیار، پس از کشف قیام، در ساحل عافیت و در خارج کشور تا آنجا که توانستند از خونهای ریخته شده قربانیان این فاجعه بهره های سیاسی بردند، ضمن اینکه روابط بسیار نزدیک با عراق، کشوری که به ایران یورش برده و قسمتهائی از خاک و وطن را اشغال کرده بود همچنان برقرار نگاهداشتند ولی هرگز در این باره که چگونه این کودتا شکل گرفت و چگونه لو رفت و چطور جمهوری اسلامی از روز تصمیم به اجرای آن از همه نقشه ها و طرحهای عملیاتی آن آگاه شد چیزی نگفتند و پرسشهای کنجکاوانه را با سکوت برگزار کردند. بدون تردید در دوران این سکوت نیز انگشت اتهام لو رفتن این قیام ملی متوجه دفتر آقای شاپور بختیار بود ولی چگونگی آن برای پژوهشگرانی که درباره این قیام و علت کشف آن بررسی میکردند پوشیده بود. اما هنگامیکه از عملیات مخفیانه داد و ستد اسلحه میان آمریکا و اسرائیل از یک سو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر پرده برداشته شد و این رسوائی در سراسر جهان به (ایران گیت) شهرت یافت، در این ماجرانام شخصی بنام منوچهر قربانی فر به میان آمد که نمایندگی جمهوری اسلامی را برای انجام این داد و ستد ها به عهده داشت و با کمال شگفتی آنانی که در آن روزها با دفتر دکتر بختیار در تماس بودند (از جمله نویسنده این سطور) دریافتند که این نماینده جمهوری اسلامی و این جاسوس چند جانبه، همان شخصی است که با نام مستعار (سوزنی) و به عنوان یکی از عناصر مهم قیام ۱۸ تیر ماه ۵۹، همه کاره دفتر بختیار بود و فرمان میراند و پول میریخت و او بود که بر افروخته شدن آتش جنگ، برایش نعمت و گرفتن حق دلالی برای فروش اسلحه، برایش ثروت بود. در همان زمان یعنی پس از کشف رویداد (ایران گیت) نشریات بین المللی درباره این رویداد و همچنین نقش شخص آقای قربانی فر در قیام ۱۸ تیر و در دفتر شاپور بختیار مطالب بسیاری نوشتند و حقیقتی را که بسیاری از ایرانیان مرتبط با دفتر بختیار دریافته بودند، در نشریات خویش منعکس کردند. بد نیست برای شناخت بیشتر آقای منوچهر قربانی فر نگاهی به ترجمه قسمتی از سوابق ایشان که در یکی از نشریات آمریکائی درج گردید، بیاندازیم. در سال ۱۹۸۷ (رونالد کاون) در نشریه آمریکائی (بوستون ساندی گلوب) درباره (ایران گیت) و منوچهر قربانی فر نوشت: "منوچهر قربانی فر به عنوان کسی که اسرائیلی ها و آمریکائیهای فعال در فروش اسلحه به جمهوری اسلامی را در ارتباط با مقامات دولتی ایران قرارداد داده است شناخته میشود. او خود رایکی از مخالفان جمهوری اسلامی و هم عقیده با ایرانیان مخالف معرفی میکرد، در حالی که با میر حسین موسوی نخست وزیر کنونی جمهوری اسلامی ارتباط و بستگی سببی داشت. او پیش از انقلاب گزارشگر ساواک بود. مهمترین مسئله در مورد قربانی فر نقشی است که او در تلاش برای کودتا به وسیله افسران نیروی هوایی ایران در جولای ۱۹۸۰ بر عهده داشته است. در آن زمان قربانی فر با شاپور بختیار همکاری میکرد. شخصی که

خود در جریان کودتا نقشی داشته و خواست نامش فاش نشود، گفت که او در یک پایگاه هوایی که قرار بود قربانی فر به آنجا سلاحهائی برساند بوده است، اما کودتاگران در آن پایگاه هرگز سلاحی دریافت نکردند. با همه این احوال قربانی فر تا چندین ماه پس از کشف کودتا نیز در استانبول برای شاپور بختیار کار میکرد و گریز گروهی از چهره های سیاسی و به ویژه شرکت کنندگان فراری در کودتای شکست خورده را از ترکیه سامان میداد. منابع مطلع میگویند قربانی فر خبر چین اداره کل هشتم ساواک بوده است. اداره ای که وظیفه اش مراقبت از عمال بیگانه در ایران بود. سرتیپ منوچهر هاشمی رئیس این اداره کل بود که اکنون به حال تبعید در لندن بسر میبرد و گفته میشود هنوز با قربانی فر در ارتباط است. عباسقلی بختیار یکی از نزدیکان شاپور بختیار گفت که خود او در سال ۱۹۸۰ در لیسبون شاهد ملاقات قربانی فر با سرتیپ هاشمی بوده است. هاشمی از لندن به لیسبون آمده بود تا قربانی فر و یک فراری دیگر، یعنی دریادار احمد مدنی وزیر سابق دفاع جمهوری اسلامی را ببیند و پول و پیام سازمان (سیا) را به آنها بدهد. عباسقلی بختیار حاضر نشد پیش از این توضیح دهد که (سیا) در مقابل از این دو تن چه میخواسته است؟! البته منوچهر قربانی فر پس از کشف کودتا نیز مدتی با نام مستعار (سوزنی) در استانبول مقیم شد و با دفتر بختیار همکاری کرد و به گفته روزنامه نامبرده بالا به سامان دادن کار شرکت کنندگان در کودتای شکست خورده که از ترس جان به خارج می گریختند، پرداخت که پی آمد آن را میتوان در ترور زنده یادان سرهنگ هادی عزیز مردای، سرهنگ بهروز شاهرودیلو و سرهنگ احمد حامد منفرد در استامبول دانست.

با وجود فردی همانند قربانی فر در دفتر دکتر شاپور بختیار که کارگزاری قیام ۱۸ تیرماه را به عهده داشت، گفتگوی بیشتر درباره علت کشف این قیام چیزی بیهوده است، ولی کسانی که در برپائی این قیام و چگونگی کشف آن نقشی اساسی داشته و بجز دکتر بختیار هنوز هم در میان ما بسر میبرند بدانند که در برابر پی آمدهای فاجعه بار این قیام به بازماندگان جانباختگانی که بیگناه به تیر جلادان گرفتار آمدند و به همه آنانی که در جنگ خانمانسوز عراق و ایران برای حفظ میهن جنگیدند و جان باختند و به گفته ای دیگر به ملت ایران بایستی جوابگو باشند.

کسانی همانند ابوالحسن بنی صدر، سید احمد مدنی، منوچهر قربانی فر، سرتیپ منوچهر هاشمی (کسی که ارتباط میان قربانی فر و بختیار را فراهم کرد و سازمان اطلاعاتی دکتر بختیار را در خارج اداره میکرد)، سرهنگ محمد باقر بنی عامری (که با نام مستعار احسان از سران نظامی قیام در داخل کشور بود و پس از کشف قیام به خارج گریخت) و ...

یکی از شرم آورترین اعمال انجام شده در این رویداد که در نوع خود در تاریخ کم نظیر میباشد، تیرباران جوان ۱۸ ساله شهریار نور است. سرهنگ امیر هوشنگ نور که در این قیام شرکت داشت و مقداری سلاح نیز در زیرزمین خانه اش کشف گردید، از ترس جان به خارج گریخت ولی ملایان فرزند ۱۸ ساله او را به گرو زندانی کردند و تهدید نمودند که اگر امیر هوشنگ نور خود را تسلیم آنان نکند، شهریار را تیرباران خواهند کرد و این کار را کردند و با این عمل شرم آور یعنی کشتن پسر بجای پدر، لکه ننگ بزرگی از خود در تاریخ بجای گذاشتند.

لازم بیآوریست که این قیام از آنرو به کودتای نوژه معروف شد که جمهوری اسلامی نام پایگاه هوایی شهر همدان را از پایگاه (شاهرخ) به (پایگاه نوژه - سرهنگ نوژه از افسران طرفدار

جمهوری اسلامی بود که در جنگ های کردستان کشته شد ) تغییر داده بود و چون مرکز عملیات هوایی کودتا قرار بود از این پایگاه آغاز شود به کودتای نوژه شهرت یافت .

به گمان ما ، هر رویداد مهم تاریخی دارای قهرمانان و ضد قهرمانانی است و در هر واقعه مهم تاریخی ، جایگاه قهرمانان و ضد قهرمانان را اندیشه های گوناگونی تعیین میکنند که الزاما یکی نیستند. چه بسا آنانی که به گمان کسانی قهرمان اند با دید کسانی دیگر ضد قهرمان به شمار آیند. بهر رویداد ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ که از آن به نام کودتا ، قیام و یا فاجعه ۱۸ تیر نام برده میشود ، و به سبب نتایج بسیار مهمی که داشته یکی از رویدادهای بسیار مهم تاریخی کشورمان بشمار میرود ، از این قاعده بیرون نیست و دارای قهرمانان و ضد قهرمانانی است. اگر با دیدی برخاسته از مصالح و منافع ملی ایران به این رویداد نگاه کنیم ، بدون تردید قهرمانان ما ، دلیران ، مردان دلاور و زنان شیر دلی هستند که با پر دلی بسیار در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ به پاخاستند تا دستگاه جور و ستم ایران ستیزان را بهم ریزند و رهائی ایران را به پیشگاه ملت خویش پیشکش نمایند. و ضد قهرمانان آنانند که با سو استفاده از این مهر ورجاوند و میهن پرستانه ، خون پاک این دلاوران را ابزار منافع شخصی خود و بیگانگان کردند و با بی شرمی بسیار و با چاکری بیگانگان ، گرچه جیب های گشاده خویش را با دلارهای سبز پر کردند ولی در برابر ، ملتی را نیز به سیه روزی نشانند.

ضد قهرمانان این قیام را شناختیم و بدنیت از قهرمانان این قیام نیز نامی برده باشیم. نام گرامی برخی از این جانباختگان که به گناه شرکت در این قیام به جوخه های مرگ سپرده شدند به شرح زیر است . نامهای نازنینی که تا ابد در تاریخ مبارزات ملت ایران برای رهائی ، پایدار و جاودان خواهند ماند.

## نظامیان

سپهد خلبان سعید مهدیون - سرتیپ خلبان آیت محققى - سرهنگ خلبان داریوش جلالی - سرهنگ چترباز محمد رضا زاد نادری - سرهنگ حسین مصطفوی قزوینی - سرهنگ احمد آزموده - سرهنگ منوچهر صادقی - سرهنگ علی فاریا - سرهنگ رحمت اله خلیفه بیگی - سرهنگ شهربانی سعید امیری - سرهنگ امیر خسرو زرینه - سرهنگ هادی ایزدی - سرهنگ نادر وحدتی پور - سرهنگ فریدون افشار - سرهنگ شهربانی غلامعلی وارسته پور - سرگرد خلبان فرخ زاد جهانگیری - سرگرد خلبان ایرج سلطانی جی - سرگرد حسن گوهری - سرگرد کاوس علیزاده - سرگرد کورس آذرتاش - سرگرد زهری سیروس ستوده - سرگرد ایرج خلف بیگی - سرگرد محمد حسین عزیزیان - سرگرد اسماعیل نوری مقدم - سرگرد چترباز محسن جلالی قاجار - سرگرد محمد هاشم صبوحی مقدم - سرگرد بهمن پرتوی - سروان خلبان محمد ملک - سروان خلبان محمد بهروز فرد - سروان خلبان کریم افروز - سروان خلبان علی اصغر سلیمانی - سروان خلبان امید علی بویری - سروان علی حیدر آریانا - سروان خلبان ناصر زرنندی - سروان خلبان علی شفیق - سروان هوئی هرمز زمانپور - سروان اسماعیل اصغری - سروان سیروس دهقان - سروان غلامرضا ثابتی آزاد - سروان زهری محمد براتی - سروان فضل

الهه رئیسی - سروان فنی هوایی بیژن ایران نژاد ثابت - سروان نوراله نجف نژاد - ستوان خلبان محمد مهدی عظیمی فر - ستوان خلبان نجات یحیی - ستوان خلبان محمد علی ثقفی - ستوان خلبان حسین شکری - ستوان ابراهیم استاد محمد نظری - ستوان محمد تقی تاجداری - ستوان ناصر مروتی - ستوان محمد رضا جوادی - ستوان هوایی جعفر راستگو - ستوان ایوب حبیبی - ستوان خلبان ناصر رکنی - ستوانیار منوچهر رهبری نژاد - ستوانیار سوم اصغر الماسی - ستوانیار سوم چترباز فریدون جواهرنیا - ستوانیار حسین هالکی - ستوانیار شکراله احمدی - ستوانیار چترباز فیروز آذریان - ستوانیار چترباز محرمعلی زاهدی - ستوانیار محمد رضا قربان نجف آبادی - ستوانیار سیاوش پورفهمیده - ستوانیار رسول یحیی پسند کوچانی - ستوانیار محمد علی فرزنام - افسر هوایی جلال عسگری - همافر یوسف پور رضائی - همافر جعفر مظاهری کاشانی - استوار چترباز مجتبی مرادی - استوار ابراهیم جوادزاده - استوار چترباز حسن کاظمی - استوار چترباز حسین کریم پورتاری - استوار چترباز محسن عسگریان - استوار چترباز سیدقاسم نقیب زاده - استوار جمشید بختیار - استوار منصور ساجدی - استوار ناصر ساجدی - استوار علی اکبر عیوض زاده - استوار محمد علی محرابی - استوار یکم سلامت - استوار ایرج مرودشتی - استوار محمد بهرامی - استوار حبیب اله احمدی - استوار ایرج درخشنده - استوار خلیل عطری - استوار محمد حسین فرنژاد - استوار جهانگیر فاتح فیروز - استوار اسداله علیپور کرباس دهی - استوار غلامحسین قایق ور - استوار لطفعلی لطف الهی - استوار خداداد رحمتی - استوار چترباز غلامحسین همدانی - استوار منوچهر فتاحی نوده ای - استوار جمشیدرنجبر - استوار محمد تقی خاتون آبادی - استوار عنایت اله آزاد یگانه - استوار جهانبخش فاتح - اجوستوار محمد (مجید) عابدینی مقدم - استوار محمد جواد میر مالکی (میر لکی) - استوار علی کمپانی - گروهبان شمس علی کریمیان - گروهبان چترباز علی سعادتی - گروهبان محمد باقر افتخاری - گروهبان سیاوش نوروزی - گروهبان احمد محمدی - گروهبان علی مرواریدی - گروهبان محمود کیانی فر - گروهبان منصور کثیرلو - گروهبان مرتضی فرح پور - گروهبان محمد حکم آبادی - درجه دار خلیل خباز هاشمی - درجه دار مصطفی حجازی - درجه دار محمد رسول ابریشمی - ارتشی محمد تیغ تیز - ارتشی خسرو محمدی کوبائی - ارتشی غلامحسین خرقانی خوب - علی سرباز دریائی -

## غیر نظامیان

بانو قمر الملوک (مریم) حجازی (کارمند نیروی زمینی ارتش) - بانو بی بی فرخ نیک بخت (مادر ۶۷ ساله ستوان ناصر رکنی) - بانو اکرم بای احمدی (خواهر سرهنگ عطا بای احمدی) - شهریار نور (فرزند ۱۸ ساله سرهنگ امیر هوشنگ نور) - دکتر مجید وصالی (داماد بانو بی بی فرخ نیک بخت) - حسین کریمی - منوچهر کریمی (مسئول کارخانه کنسرو سازی آیدا) - ابراهیم کریمی (کارمند بیمه) - جعفر همتی - سیاوش همتی - مرتضی سلطانی - جلیل سلطانی - علی رحم صالحی - رضا صالحی - داریوش آتش برو - امیدوار آتش برو (کارمند شرکت نفت) - محمد هارونی (کارمند آتش نشانی) - عبد محمد هارونی (مغازه دار) - حمید

شمالی - اصغر الله وردی ( خیاط ) - اسماعیل عرب شیرازی - حسن دری - ذبیح اله مومنی  
( کارمند شرکت گردون ) حسین عابدینی ( تاکسی دار ) - محمدعلی آسان گشای ( مکانیک ) -  
عباس محبی - ابوالقاسم خادم آبادی - امیر هوشنگ اسفندیاری - بهروز مشکینی گیلانی -  
رحمان آرمین - سیف اله شاهنده آشتیانی - سیاوش موم زابی ( مغازه دار ) - پرویز بیانی -  
مرتضی سوهانکی - داود دریا نورد - محمد ده پهلوان ( پزشکیار ) - کمال سامع - رحمان مجاور  
صوفی - خلیل درویش - محمد کریم رکنی والا - ابراهیم ستوده - ابراهیم بیگلری

website: [WWW.OYICM.ORG](http://WWW.OYICM.ORG)